باز هم نظری کوچک

بختیاری، پژمان

با ابراز تشکر از حسن ظن بلیغ دانشمند محترم آقای مجید اوحدی که تراوشی‏ از صفای طینت و طویت ذاتی خود ایشان بوده است بعرض میرساند.

قصد بنده از نوشتهء پیشین خرده‏گیری نبوده بلکه چیزی بنظرش رسید و بر قلم جاری شد بدون آنکه بصحت آنها اعتمادی قویم داشته باشد.اکنون که آن بزرگوار برای برخی از عرایض بنده دلیل خواسته‏اند بنگارش این وجیزه مصدع میشود.

1-شاید غیر از صائب کسی کلمهء«امروزینه»را بکار نبرده باشد اما با قرائنی‏ که از صفات نسبی پارینه،دوشینه و نظائر آنها در دست است میتوانیم استعمال آن کلمه‏ راحتی از زبان این شاعر بپذیریم و درست بدانیم.آقای یکتا مرقوم فرموده‏اند:«اگر بتوانیم بجای امروزی،امروزین بگوئیم مسلم است که امروزینه را هم میتوان بکار برد» بنظر حقیر احتیاجی بآن سند نداریم زیرا که قیرین و پارین هم ظاهرا گفته نشده معهذا منوچهری و شیخ اجل قیرینه و پارینه را استعمال کرده‏اند.

شبی گیسو فروهشته بدامن‏ پلاسین معجر و قیرینه گرزن‏ برو خواجه زن کن بهر نوبهار که تقویم پارینه ناید بکار

پس عدم استعمال امروزین(اگر بکار نرفته باشد)دلیل خطا بودن امروزینه‏ نخواهد شد.

2-در موضوع افزودن عدد یک بر معدودی که به یاء وحدت ختم میشود نیز نوشته‏اند:

«و اما عدد یک متأسفانه شواهدی که آقای پژمان آورده‏اند همه بالفظ یکی‏ آمده و با شعر مورد انتقاد اینجاب مطابقت نمیکند...و آن عیبی که در«یک شمه‏ای»و«یک‏ ادائی»بچشم میخورد در شواهد ایشان کمترست خوب بود شاهدی می‏آوردند که عینا مطابق مدعا باشد»

گرچه کلمات«یک»و«یکی»همان‏گونه که آقای یکتا هم اشاره فرموده‏اند در معنی یکی است معهذا شواهدی دال بر صحت استعمال عدد یک با موصوف مختوم به‏ «یاء»وحدت نیز موجود است از جمله:

یک امشبی که در آغوش شاهد شکرم‏ گرم چو عود بر آتش نهند غم نخورم

که از شیخ اجل است و نیز این بیت که نام سراینده اشرا بیاد ندارم

یک شبی مجنون به خلوتگاه ناز با خدای خویشتن می‏گفت راز

3-بحث دیگر دربارهء استعمال«زیب‏تر»در شعر صائب است که بنده آنرا صواب‏ ندانسته بلکه قابل اغماض و بخشایش خوانده است زیرا که یکی از ارکان اربعهء کاخ‏ شعر فارسی یعنی نظامی گنجه‏ای کلمهء پولادتر را بکار بسته و گویا پیش از بنده کسی بر آن‏ خرده نگرفته باشد1اما ناگفته نماند که او پولاد را بمعنی صلب و سخت آورده و برای‏ توصیف صلابت گرزهای جنگاوران گوید:

ز پولادی لخت گردن‏شکن‏ برون ریخته مغزها از دهن

و با توجه باین مفهوم که شاید مبتنی بر فرهنگ یا گفته اساتید هم بود میفرماید:

دگر خشتی انداخت پولادتر بر آن کشتنی هم نشد کارگر سخن‏هائی از تیغ،پولادتر زبان از سخن سخت بنیادتر

اگر هم با این استدلال بکار بردن تفضیلی«پولادتر»را مجاز دانیم بی‏شک در علت تراشی برای صفت«هندی‏تر»کمیت ما لنگ خواهد ماند.

مخور عبرهء هندی یاد من‏ که هندی‏تر از تست پولاد من

مگر آنکه بگوئیم گفتهء استاد برای ما حجت است و بقول قاآنی شیرازی‏

«قافیه‏گو جعل باش جعل ز ما درخورست»

در مقالت نخستین برای کلمهء مرکب«طالت علم»شاهدی بیاد نداشت ولی بعدا ترکیب مورد بحث را در دیوان منوچهری مشاهده کرد.

کبک چون طالب علم است و درین نیست شکی‏ پیرهن دارد زین طالب عالمانه یکی

با تمنای پوزش(پژمان بختیاری)

(1)-متن و مقدمهء شرفنامه چاپ ابن سینا